عمق میدان

نگاهی به فیلم «فروشنده»

از مسئله‌محوری شخصیت‌ها تا شخصیت‌پردازیِ مسئله‌ها

محسن خیمه‌دوز

«فروشنده»، سینمای «عامه‌پسند قصه‌گو»ی ایران را یک گام دیگر ارتقا داد و از سینمای مبتذل «شب‌فیلم»، موسوم به «سینمای بدنه» جدا کرد و جلو انداخت. فرهادی با «فروشنده» نشان داد که می‌توان کیسه را فتح کرد بدون آنکه نیاز باشد به دام سینمای سخیف افتاد (کمدی‌های سخیف، جنگی‌های سخیف، سفارشی‌سازی‌های سخیف، ملودرام‌های سخیف و تله‌فیلم‌های سخیف). فرهادی با «فروشنده» نشان داد که می‌توان حرف بزرگی زد، اما از تیزی کاسته نشود. «فروشنده» گام دیگر فرهادی در سینمای نوین «مسئله‌محور» است. در این سبک، فرهادی «مسئله» را به «شخصیت» تبدیل می‌کند بی‌آنکه نیازی به «حادثه‌پردازی»، «قهرمان‌سازی»، «لودگی سیرکوار» و «قصه‌های مُهَیّج سرایی» داشته باشد. فرهادی با فروشنده نشان داد که مسئله اصلی سینمای ایران، فقدان شخصیت‌پردازی است. نشان داد که سینما اگر در جهان معاصر در کنار درخت توسعه ادبیات، هنوز توانی برای عرض‌اندام داشته باشد، تنها از طریق شخصیت‌پردازی است. آن‌هم در دگرسوی و فرهنگی که نه با تصویر میانه‌ای دارد، نه با تحول و تجربیات عمیق اگزیستانس در ابعاد وجودی شخصیت و نه با سبک‌های مدرن شخصیت‌پردازی. آنچنان که تمام قصه‌هایش، در همه آثارها، بیشتر کاریکاتوری از انسان و مسائلش هستند تا واقعیتی هرچند ضعیف از عمق ترسناک، وهم‌انگیز پیچیده و چندوجهی درون آدمی. فرهادی با چند فیلم سینمایی‌اش نشان داد که به رموز شخصیت‌پردازی در سینما دست یافته و این آگاهی هم نه تقلیدی بوده نه تصادفی. تنوع کلّه فرهادی به انواع کارکترهایی که آفریده، نشان از شناخت او دارد؛ هم از درونیات انسان و هم از مطالعه در سبک‌های متفاوت شخصیت‌پردازی در آثار نویسندگان بزرگ معاصر. رفاه‌زدگی شخصیت‌های ساخت او بر پرده با آنچه ایسم در نمایش‌هایش آفریده بی‌دلیل و تصادفی نیست. سینمای فرهادی نه از طریق قصه‌هایش که از طریق شخصیت‌پردازی‌هایش جهانی شده و البته از طریق قصه‌هایش (که مرتبه‌ای نازل‌تر از شخصیت‌پردازی است) در داخل مورد استقبال قرار گرفته و می‌گیرد. زیرا ذهن مخاطب داخلی هنوز اسیر کلیشه‌های قصه‌پردازی و عکاله‌مند به آنهاست و هنوز در دوران ماقبل قصه شخصیت قرار دارد زیرا هنوز ذهن شخصیت‌فهم، نیازمند وجود تاریخی از انواع تجربیات اگزیستانس است، تجربه‌ای که تاریخ ایران از آن محروم بوده و هم تا اطلاع ثانوی همچنان از آن محروم خواهد ماند. یک عمر فرهادی در «فروشنده»، ترکیب این دو عنصر سنتی («قصه‌بسندی» و مدرن (شخصیت‌پردازی) است. هنر دیگر فرهادی در «فروشنده»، جدا از اینکه به «المپیسم سینمای بدنه» آلوده نشده، این است که در فضای سینمای عامه‌پسند قصه‌گو، فرایند دراماتیک «تبدیل مسئله به شخصیت» را با زیبایی و با دقت انداخته داده است و این کار در «فروشنده» بهتر از آثار پیشین فرهادی انجام شده. به همین‌دلیل «فروشنده» در میان بهترین

فرانک آرتا

«فروشنده» در جشنواره «کن» جایزه بهترین فیلم‌نامه را دریافت کرد. نگاه شما به فیلم‌نامه «فروشنده» چیست؟ ضمن اینکه گفته می‌شود آقای فرهادی را در غرب فیلم‌نامه‌نویس بهتری در مقایسه با کارگردانی می‌شناسند.

هیچ‌کدام از فیلم‌های اصغر فرهادی که تا امروز به اندازه فیلم «فروشنده» با واکنش‌های متفاوتی مواجه نشده‌اند. شاید علتش دریافت جایزه «اسکار» برای فیلم «جدایی نادر از سیمین» بود که بعد از آن توجه‌ها را به خود جلب کرد و هر رفتار و منش او زیر ذره‌بین قرار گرفت؛ اما واقعیت این است آن چیزی که در فیلم‌سازِ ما برجسته می‌کند. دنیای فیلم اوست. اینکه چگونه فیلم می‌سازد و فیلم او چقدر توانسته درگسرش زبان بصری جهان امروز تاثیرگذار باشد؛ به همین‌دلیل بهترین نوع ارزیابی هر فیلمسازی، تمرکز بر فیلم‌های اوست. بااین‌حال در تاریخ دیده‌ایم برخی‌ها، فیلم‌سازان را مقدم بر فیلم‌های‌شان دانسته‌اند و برخی‌ها هم فیلم‌های فیلم‌سازان را نادیده گرفته‌اند که هر دو رویکرد، اشتباهی است فاحش. در حقیقت در رویکرد تحلیلی - انتقادی، متن یک فیلم ارزیابی می‌شود که در این صورت باسخ برخی از پرسش‌ها کاملا روشن و دست‌یافتنی است. به همین‌دلیل مناسب دیدیم درباره «فروشنده» نظرات منتقدان و یک کارگردان سینمای ایران را در میزگردی بررسی کنیم؛ «مهرزاد دانش» و «آنتونیا شرکا» از منتقدان سینمای ایران با پیشینه خوبه معرفی نیاز ندارند؛ فیلم‌سازی خوش‌فکر ماتند شهرام مکری هم کاملا آشناست.

دانش: در سینمای ایران قطعا فرهادی نقطه عطفی است مثالش هم تغییر عمده‌ای است که بعد از «درباره الی» در فضای فیلمسازی ایران رخ داد و خیلی از فیلمسازان متشخص که تا قبل از «درباره الی» حیرکیری فیلم می‌ساختند، بعد از موفقیت‌های او کوشیدند از سینمای او الگوبرداری کنند

اما بخشی هم برای نقد دارن. این دو با هم متفاوتاند. اساسا تفدونیمی حاس می‌طلبد. شما باید از اجزای مختلف فیلم ارتباط ارگانیک برقرار کنید موارد‌ی را به چالش بکشید یا تائید کنید که ارتباط ساختاری با کنید داره. درچند اثر فرادی ما شاهکارهای سینما هم در این سایت می‌توانن چند کاه را دید. هرچند این مواردا را به فیلم‌سازی «فروشنده» به نظرم کاف نیستند. نکته دیگرایکه دانما می‌گویند ما اگر جای پیرمرد بودیم چنان می‌کردیم که اساس این نوع نگاه غلط است. چون در این حالت شما به جای قصه‌ها می‌توانید تصمیم بگیرید اما دلیل نمی‌شود که پیرمرد داستان هم چنین کاری انجام دهد. بااین‌حال فیلم‌نامه جای کار بیشتری داشت و به نظرم جزء فیلم‌نامه‌های خیلی برتر فیلم‌نامه‌نویسی است. درباره شخصیت‌پردازی‌ها مشکل دارم؛ با بعضی موقعیت‌ها‌ی‌ی‌ی